



پیرامون لایحه تشکیل سندیکاهای کارگری!

به یاد پرچم داران آزادی!

یدی شیشروانی

بعد از دید و بازدید های مسئولین جمهوری اسلامی و برخی از باصطلاح «تشکل های کارگری» با سازمان بین المللی کار «ال او» و توافق بر سر مقاوله نامه های این سازمان، کمیته ای متشکل از مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی «کانون عالی شوراهای اسلامی کار» و انجمن صنفی کارفرمایان برآن شده اند تا با تدوین لایحه تشکیل سندیکاهای کارگری بر اساس توافقات بین سازمان بین المللی کار مقدمات تصویب و اجرای آنرا فراهم سازند. در همین رابطه وزیر کار اعلام کرده است که «...براساس تجربه در وزارت کار و گفتگوهایی که با سازمان بین المللی کار داشتیم بیانیه را امضا کردیم.... شکل گیری تشکل های کارگری برپایه مدل سازمان بین المللی کار در حال بررسیهای کارشناسی توسط جوامع کارگری!! و کارفرمایی و دولت است و هرزمان که این تصمیم بصورت سه جانبه اتخاذ شود در مسیر اصلی خود قرار میگیرد.»

[بقیه در صفحه ۳](#)

خبرنگار و عکاسی که زیر شکنجه به کما رفت!

داور

زهرا کاظمی خبرنگار و عکاس ایرانی الاصل تبعه کانادا زیر شکنجه وحشیانه دژخیمان جمهوری اسلامی کشته شد. شکنجه وحشیانه ای که در طول تاریخ شاهنشاهی توسط ساواک اعمال می شده و شیخان حاکم بر ایران شکنجه را با احکام شرعی در هم آمیختند و با استفاده از اسلام و احکام شرعی شکنجه را تا دم مرگ تجویز و قانونی ساختند و با احکام شرعی محارب و مرتد زنان و مردان را مورد تجاوز جنسی

[بقیه در صفحه ۷](#)

این شماره:

صفحه ۹

چند خبر

صفحه ۱۰

برسر مزار جان فشانان راه آزادی...

صفحه ۱۱

بخشی از یک مقاله صمد بهرنگی

صفحه آخر

بزرگداشت یادبود صمد در تبریز

پانزده سال از قتل عام زندانیان سیاسی در سیاهچالهای جمهوری اسلامی سپری میشود. در شهریور ۱۳۶۷ هزاران زن و مرد مبارز، انقلابی و کمونیست در زندانهای جمهوری اسلامی بدستور رهبران تبهکار رژیم به طرز فجیعی قتل عام شدند، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی که هم در آتش شکست سیاست های جنگ طلبانه خود میسوخت و هم ترس گسترش اعتراضات مردمی سرپای وجودش را فرا گرفته بود، در طی چند روز گروه گروه از شریف ترین انسانهای این مرز و بوم را تنها به جرم نه گفتن به حکومت جهل و جنایت به چوبه های دار آویخته و یابو جوخه تیرباران سپرد. در این کشتار ددمنشانه، رژیم حتی قوانین ارتجاعی خود را هم رعایت نکرد و زندانیانی که قبلا در بیدادگاه هایش محاکمه شده و مشغول گذراندن دوره محکومیت خود بودند را نیز ازدم تیغ جهالت و تاریک اندیشی گذراند. جلادان از ترس افشا شدن این عمل جنایتکارانه اجساد نیمه جان زندانیان سیاسی راشبانه در کامیونها و کانتینرهای گوشت ریخته و در مکانهای بی نام و نشان و در گورهای دسته جمعی مدفون کردند. باین پندار واهی که با این قتل عام ها دیگر کسی را یارای مقابله با این دستگاه جور و خفقان نخواهد بود. سازمان ما در بیستم شهریور ماه ۶۷ در یک اطلاعیه مشترک از این کشتار پرده برداشت و هشدار داد که « طی یک ماه اخیر صد ها تن از زندانیان سیاسی ایران دسته دسته به جوخه اعدام سپرده شده و تعدادی از زندانیان سابق که دوره محکومیت شان به پایان رسیده و آزاد شده بودند، مجددا بازداشت گردیده اند. طبق اطلاعات واصله حدود ۳۰۰ تن از کادرها و هواداران سازمان در تهران و سایر شهرهای کشور جزء اعدام شدگان اخیر هستند. رژیم جمهوری اسلامی بمنظور جلوگیری از انتشار اخبار جنایاتی که در زندانها مرتکب میشود، تمامی تمهیدات ضدانقلابی خود را به کار بسته و مدت دو ماه است که ملاقات زندانیان سیاسی را قطع نموده است. علاوه بر این مزدوران رژیم، خانواده های زندانیان سیاسی را که در اعتراض به قطع ملاقات در جلوی زندان های اوین

[بقیه در صفحه ۲](#)

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

## به یاد پرچم داران آزادی ...!

بقیه از صفحه اول

و گوهردشت متحصن شده بودند مورد ضرب و شتم قرارداداند (.. در ادامه این افشاگری سازمان هشدار داد که « رژیم در پی شکست سیاست های جنگی خود و پذیرش آتش بس ، تمام نیروی خود را به کار گرفته ، موج سرکوب و اختناق را هرچه بیشتر تشدید نموده و به کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی متوسل شده است تا با ایجاد جو رعب و وحشت به مقابله با رشد و اعتلای مبارزات توده ها برخیزد...») برای اولین بار سازمان ما با این اطلاعیه افشاگرانه توطئه رژیم را افشا کرد . با وجود این و علیرغم افشاگریهایی که تا کنون بوسیله سازمانها و نهاد های انقلابی و مترقی و یا بوسیله خانواده ها وزندانانی که از این فاجعه جان سالم بدر برده بودند انجام گرفته است ، اما بعد از گذشت بیش از ۱۵ سال هنوز که هنوز است اسرار این تبهکاری رژیم و ابعاد این فاجعه تاریخی کاملا روشن نشده است.

طی این سالها تمام دارودسته های رنگارنگ نظام ارتجاعی حاکم کوشیدند تا از افشای واقعیات این جنایت جلوگیری کنند . قلم به مزدان و نظریه پردازان جناح های مختلف بورژوازی حاکم همه تلاش خود را به کار گرفتند تا ایستادگی و پایمردی این قهرمانان و نیز اهداف و آرمانهای والایی که به خاطرش جان برکف نهاده و تا آخرین لحظه مقاومت کردند، از حافظه تاریخی مردم بویژه نسل جوان کشور زوده شده ، تا بتوانند در لباس «اصلاح طلبی» و «مردمسالاری دینی» گذشته خویش را پنهان دارند. اما در این بهیمنیت اینها که خود دستا نشان تا آرنج به خون آزادیخواهان آلوده است ، تنها نبودند، بلکه تمام آن دسته از روشنفکران و هنرمندانی هم که خود را به ثمن بخش فروختند تا در باره این جنایات سکوت اختیار کنند و یا در روزی نامه ها و مجلات مجاز رژیم با نوشتن مقالاتی به این سیاهکاری رژیم کمک کردند و اهداف و آرمانهای این مبارزین از جان گذشته را تخطئه کردند، درسپوش نهادن به این جنایات و جنایات دیگری که مدام طی این پانزده سال تکرار شده است، شریک و سهم و پاسخگو هستند.

کشتارخونین ۶۷ علاوه بر افشای چهره ضد مردمی اپوزیسیون بورژوایی رژیم از هر رنگ و لون آن که در باره این جنایات مهر سکوت برلب زدند . همچنین یک بار دیگر دموکراسی خواهی دروغین و دفاع از حقوق بشر کشورهای امپریالیستی و احزاب و جراتات حاکم بر آنها را افشا کرد. کشورهای معظم

مردم مبارز ایران امروز بعد از گذشت پانزده سال از کشتار زندانیان سیاسی و درشرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در بحرانهای داخلی و روابط بین المللی خود دست و پا میزند و در شرایطی که رشد آگاهی و مبارزه برای آزادی ، برابری و عدالت اجتماعی گسترش مییابد و درشرایطی که زمان حسابرسی و پاسخگویی به این جنایت هولناک و جنایات دیگری که جمهوری اسلامی طی این ۲۴ سال حاکمیت ننگین خود مرتکب شده است نزدیکتر میشود ، عده ای از همان گماش مماشات طلبان که طی این مدت مهرسکوت برلب زده و یا خود شریک در این جنایات علیه بشریت بودند، بیشرمانه صحبت از «آشتی ملی» و گذشت میکنند. گذشت از چی و آشتی با چه کسانی !!! با آدم کشان و قاتلان پیرو جوان ، زن و کودک !؟ شرم تان باد که هرگز قادر نخواهید بود عاملین کشتار شریف ترین انسانها و مسببین ادبار مردم را از سپرده شدن بدست عدالت مانع شوید . بگذار مماشات طلبان و آنهایی که طی این سالها مهرسکوت برلب زده و ازاین همه جنایت و وحشیگری بخاطر ثروت و قدرت ، سهمی بردند، باز هم هرچه در توان دارند درحمایت از این مافیای قدرت و ثروت بکنند و هرچه درچنته دارند بیرون بریزند ، که جز رسوایی بیشتر نصیبی نخواهند برد

وظیفه هر تک تک ماست که مهره های اصلی و فرعی این شکنجه گران و جنایت کاران را شناسایی کرده و به مردم ایران و جهان شناسانیم ، اسامی و مشخصات تمامی اینها باید درلیست جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت قرار گیرند و پاسخگوی اعمال ننگین خود باشند.

دراین زمینه ما بویژه از تمامی خانواده های زندانیان سیاسی قتل عام شده در سال ۶۷ و سایر شهدا و جانفشانی که در

## به یاد پرچم داران آزادی ...!

بقیه از صفحه قبل

طول این ۲۴ سال در زندانها ، در کوچه و خیابان و در مکانهای مخفی رژیم بدست این جلادان به قتل رسیده اند، میخواهیم اسامی و مشخصات عزیزان خود را جمع آوری کرده و برای دادخواهی به مجامع بین المللی ارسال نمایند. و مهمترین آن، با ایجاد تشکل خانواده های داغدیده ، خود پیگیر شناسایی ، افشاکاری و دستگیری و محاکمه عاملین این جنایات شده و سهم خویش را در سرنگونی این رژیم جهل و جنایت ادا کنند.

کلام آخر اینکه، این عزیزان سرافرازانه برپیمان خود ایستادند و تسلیم نشدند و جان خود را در راه آزادی و برابر انسانها فدا کردند. این خونها بر زمین نمی ماند ! و نخواهد ماند ! ایستادگی این قهرمانان در مقابل دار و درفش و پایداری آنها به آرمانهای آزادیخواهانه و انسانی ونه ی ، باشکوه شان در برابر جوخه های اعدام، بذر آگاهی ، مقاومت و مبارزه نارهایی کامل را در جان و دل تمامی آزادیخواهان و انقلابیون واقعی و تمامی مردم کارگر و زحمتکش ایران و بویژه نسل جوان کشور پاشیده است. این بذرها از زیر آوار زمستان سرد و تاریک سرکوب و خفقان سربرآورده و بهار آزادی را نوید میدهند .

## پیرامون لایحه تشکیل سندیکاهای ...

سازمان بین المللی کار با امضای بیانیه موافقت خود را باین طرح اعلام کرده است ))

ابتدا ببینیم بعد از مدتهای مدید کش و قوس بین جمهوری اسلامی و سازمان بین المللی کار اکنون چرا و به چه علت مقاوله نامه های آن از جمله مقاوله نامه ۷۸ که بر آزادی تشکیل اتحادیه ها و سایر تشکل های مستقل کارگری تاکید دارد ، از طرف جمهوری اسلامی پذیرفته شده و برسمیت شناخته شده است .

اولین عامل از سلسله عواملی که باعث شده تا سران جمهوری اسلامی بعد از سالها مقاومت به پذیرش مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار آنها در چهاچوب معینی تن در دهند . همانا گسترش مبارزات کارگران در عرصه های مختلف اقتصادی کشور است . علاوه بر لطماتی که طبقه کارگر ایران از بحران اقتصادی ، تشدید استثمار ، تورم و پایین بودن دستمزدها ، فقدان تامین اجتماعی ، بیکاری و

فقدان تشکل دیده و میبندد در سالهای اخیر در در نتیجه خصوصی سازی و اجرای سیاست تعدیل نیروی کار صدها هزار کارگر اخراج ، بیکار ، بازخرید و یا به بازنشستگی زود تر از موعد دچار شده اند که با احتساب خانواده های آنها این سیاست میلوئنهافر از کارگران و خانواده های آنها را به فقر و فلاکت و سیاهی و تباهی سوق داده است . بموازات این تعرض شدید به حقوق کارگران مبارزات کارگران نیز حول درخواست هایی نظیر جلوگیری از اخراج و بازخرید کارگران ، پرداخت حقوق های معوقه ، مخالفت با خصوصی سازی، تعیین حداقل دستمزد ها بر اساس نرخ واقعی تورم ، حق ایجاد تشکل های مستقل و... اوج و گستردگی بی نظیری بخود گرفته و باعث رشد آگاهی و سطح مبارزاتی کارگران شده است . در این زمینه رژیم به پتانسیل عظیم جنبش کارگری آگاه است و با توجه باینکه تشکلهای خودساخته ای نظیر ((خانه کارگر)) ، انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی کار، هیچگونه پایگاهی در بین کارگران ندارند ، رژیم کوشش میکند تا با پیاده کردن این سیاست ، مهار جنبش کارگری را بدست گرفته و درتداوم پیاده کردن سیاست تئولیرالی که با اخراج ها و تعلیق پرداخت حقوق کارگران توأم است، از افزایش اعتراضات کارگری ارتقای سطح تشکل و آگاهی آنها جلوگیری نموده و امکان پیوند جنبش کارگری با جنبش سایر اقشار اجتماعی را ناممکن سازد و آنرا در انزوای خود به بیراهه برده و خفه کند.

دوم . رژیم جمهوری اسلامی در جنبه بحرانهای داخلی و روابط بین المللی گرفتار آمده است و با توجه به تحولات منطقه در بیم و هراس به سر میبرد. میخواهد به شکل ظاهری هم که شده سیاست کارگری خود را بانرم های نهاد های بین المللی از جمله پیشنهادات بانگ جهانی منطبق سازد، این درحالیست که تاکنون با تمام تغلای خود نتوانسته نهاد هائی خود ساخته ، نظیر ((شوراهای اسلامی کار)) و ((خانه کارگر)) و انجمن های اسلامی و غیره را که مورد نفرت کارگران هستند به عنوان تشکل های مستقل کارگری به مجامع بین المللی بقبولاند و حالا در زیر فشار جنبش گسترش یابنده کارگری مجبور شده است

## پیرامون لایحه تشکیل سندیکاهای ...

بقیه از صفحه قبل

چهارم اینکه تشدید بحران سیاسی و اقتصادی و تحولات داخلی و منطقه ای و جهانی رژیم را هراسناک کرده است . عدم تحقق مطالبات کارگران ، گسترش اعتصابات و اعتراضات، نبود هیچگونه چشم انداز و فرجی در مقابل کارگران رشدی اعتمادی گسترده به ارگانهای دولتی، آگاهی کارگران از دزدی و چپاول، خشم و نفرت از مافیای ثروت و قدرت را افزایش داده است . تلاش سالهای اخیر کارگران پیشرو کارخانه ها و مراکز کارگری برای شکل و خروج از بن بست فعلی وده ها فاکت دیگر زمینه سازمانیابی مستقل طبقه کارگر و امکانات نفوذ ایده ها ی رادیکال و راه حل های انقلابی در بین طبقه کارگر را افزایش داده است. بدین ترتیب روند رشد آگاهی طبقه کارگر برزمینه گسترش اعتراضات اجتماعی زنگ خطر را در بیخ گوش حاکمان بصدا در آورده است. رژیم را ناچار کرده تا خود به کمک سازمانهای بین المللی ابتکار عمل را بدست گرفته و با ساختن اتحادیه ها و سندیکاهای تحت نظر خوداز امکان سازمانیابی مستقل طبقه کارگر و پیوند آن با جنبش سایر اقشار اجتماعی جلوگیری بعمل بیاورد. تردیدی نیست که رژیم میخواهد تدوین لایحه مزبور را نه با مشارکت نمایندگان واقعی طبقه کارگر و در یک فضای آزاد، بطوری که همه کارگران با بحث و فحص کافی و انتخاب نمایندگان خود در تدوین قوانین و شکل و محتوای سندیکاهای مورد نظر شرکتی آگاهانه داشته باشند بلکه میخواهند در همان پستوخانه های محافل دولتی و ارگانهای حکومتی و به شکل سرودم بریده و بدور از مشارکت خود کارگران تدوین و بمورد اجرا بگذارند. در این رابطه وزیر کار صراحتا اعلام کرده است که « طرح مذکور در شورای سه جانبه متشکل از دولت ، انجمن صنفی کارفرماها و نهاد های کارگری!! جریان داشته و تدوین نهایی آن به کمیته کارشناسی محول خواهد شد » بدین ترتیب روشن است که هدف رژیم در نهایت تشکیل سندیکاهایی است بی محتوا و تحت اختیار دولت و ارگانهای منتصب به آن ، که در شکل ظاهری هم که شده موافقت سازمان « ال او » را به همراه داشته باشد و هم تشکیلاتی باشد که مهار آن همچون شورا های اسلامی کار و غیره در دست ارگانهای خودساخته محفوظ بماند. با توجه به آنچه که گفته شد وظیفه ما فعالین سازمان و

بقیه در صفحه بعد

به قرار های سازمان بین المللی کار هرچند در شکل سرو دم بریده آن گردن بگذارد. سوم . وضعیت خود سرمایه داری ایران است در قبال وضعیت جنبش کارگری بعنوان خریدار و فروشنده نیروی کار. اگر چه تاکنون کارفرماها با توسل به قانون کار (که آنهم شامل بخشی از کارگران میشد ) و یا بدون توجه به قانون کار و یا با اهرم شکل های وابسته واز طریق قراردادهای موقت فیما بین، به رتق وفتق امور صنفی ، اختلافات حقوقی خود با کارگران میپرداختند، اما میدانیم که در سالهای اخیر علاوه بر اینکه با طرح و تصویب قانون خارج کردن کارگران کارگاه های با ۵ نفر کارکن و کمتر و بعد ۱۰ نفر کارکن و کمتر از شمول قانون کار، از زیر هرگونه چهارچوب قانونی دررفتند، بلکه متعاقب آن خواستار لغو برخی از ماده های قانون کار شدند که در آنها بنا بموقعیت و زمان تصویب اش بخشی از مطالبات کارگران ملحوظ شده بود که کارفرماها و دولت حاضر به پذیرش و اجرای آنها نبودند. که این درخواست با اعتراض کارگران مواجه شده و عملا مسکوت مانده است. با توجه به این وضعیت میشود گفت که هم اکنون بجز بخشهایی از صنایع و کارخانجات دولتی و یا نیمه دولتی اساسا هیچگونه قانونی که از شمولیت سراسری برخوردار بوده و بر روابط فیما بین کارگر و کارفرما بمثابة خریدار و فروشنده نیروی کارحاکم باشد، نیست. همینطور تشکیلی که بتواند حد اقل بخش مهمی از کارگران را درمواقع لزوم در مذاکرات و چانه زنی ها نمایندگی کند بوجود نیامده است . بنا براین نه تنها دولت و سازمان بین المللی کار، بلکه بخشا خود کارفرماها هم خواهان ایجاد شکل قابل کنترلی در جنبش کارگری هستند تا درعرصه خرید و فروش نیروی کار بامراجع و تشکل معین و مورد قبول بخشی از کارگران و دولت طرف معامله بشوند. اگر وضعیت بحرانی رژیم و نیاز به جلب سرمایه های خارجی و قراردادهای بانگ جهانی و شرط و شروط سرمایه گذاری سرمایه داران خارجی در ایران را هم مدنظر قرار دهیم که خواهان وضعیت روشن و قانونمند در بازار کار هستند.دلیل دیگر پیش افتادن ال او( سازمان بین المللی کار) برای ایجاد سندیکاهای کارگری درایران ونیز علت گردن گذاشتن رژیم به مقاله نامه های آن روشن تر میشود.

**پیرامون لایحه تشکیل سندیکاهای ...**

کارگران پیشرو چیست ؟

در شرایطی که اختناق بیداد میکنند و فعالین جنبش کارگری سرکوب میشوند و در شرایطی که تشکل کارگران برای احقاق حقوق خود حتی در حد صنفی از هر موقع دیگر ضروری است ورژیم ادعا میکنند که با پذیرش مقاوله نامه های بین المللی در حال ساختن سندیکاست ، تکلیف ما چیست ؟ باید خود در این تشکل ها شرکت کرده و سایر کارگران را هم به شرکت در آنها تشویق کنیم و یا آنها را تحریم کرده و منتظر اقدامات دیگری بشویم ؟

برای پاسخ باین سوالها لازم است ببینیم که اساسا جنبش صنفی و اتحادیه ای کارگران در چه وضعی است . و چه مراحل را میپیماید .

واقعیت این است که جنبش سندیکائی در ایران بیش از یک صدسال قدمت دارد. طبقه کارگر ایران در طول این صد سال در مبارزه برای به کرسی نشاندن حقوق سندیکایی خود فراز و نشیب های زیادی را از سرگذرانده است و در این راه کارگران زیادی به جوخه های اعدام سپرده شدند ، زندان و شکنجه و آواره گی و دربدری را به جان خریدند ولی هرگز مبارزه طبقه کارگر در این عرصه متوقف نشد. چرا که وجود سندیکاهای واقعی برای تحقق مطالبات صنفی و رفاهی کارگران یکی از ضروریات حیاتی مبارزه کارگری بوده و هست . در نظام سرمایه داری طبقه کارگر بدون داشتن تشکل های مستقل صنفی و سیاسی، از آن جمله سندیکاهای طبقاتی خود قادر نیست در مقابل طبقه سرمایه دار از ابتدایی ترین حقوق صنفی و رفاهی خود دفاع کند و خواست های خود را به طبقه سرمایه دار و دولت بقبولاند . میدانیم که نقش سندیکاهای کارگری فقط به مبارزات صنفی محدود نمیشود بلکه سندیکا ها در ارتقای سطح آگاهی و تشکل کارگران و در مبارزات سیاسی آنها هم نقش موثری بازی میکنند.

در شرایط کنونی که دولت و سرمایه داران تعرض وسیعی را به حقوق کارگران سازمان داده اند. در شرایطی که اخراج های دسته جمعی ، بیکاری ، پایین بودن حق و دستمزد ها و نبود تامین اجتماعی و تضمین شغلی و نپرداختن حقوق و مزایای عقب افتاده هر روز کارگران بیشتری را برای مبارزه در دفاع از حقوق خود به اعتصاب و تظاهرات میکشاند و در شرایطی که مبارزات کارگران به دلیل پراکندگی و نبود تشکل به نتیجه مطلوب نمیرسد. طبیعی است که وجود سندیکای مستقل و متشکل میتواند کارگران را با قدرت و عزم و اراده

محکم تر طبقاتی در مقابل دولت و سرمایه داران نمایندگی کند و نگاهی به وضعیت جنبش کارگری ایران هیچ گونه تردیدی در ضرورت سازمانیابی سندیکایی کارگران برجای نمیگذارد. و کارگران پیشرو و کمونیست باید از هر روزنه ای برای تشکل سندیکایی کارگران ولو کوچک استفاده بکنند. اما نکته اساسی این است که تصمیم گیری در باره تشکل سندیکا های کارگری در محافل حکومتی و کارفرماها و عده ای افراد وابسته به آنها تحت عنوان (( نهاد کارگری )) نظیر شوراهای اسلامی کار، هرگز به سندیکای واقعی کارگری فرا نخواهد روید و در نهایت چیزی جز شوراهای اسلامی کار ، و انجمن های اسلامی و غیره که این بار تحت ضوابطی بنام سندیکا نقش بازی خواهند کرد، از کار درنخواهد آمد .

**آزادیهای سیاسی و سندیکاهای**

سندیکاهای کارگری امر خود کارگران است که در عین حال با آزادیهای سیاسی، آزادی اجتماعات و بیان و قلم در جامعه ملازم است. کارگران و رهبران آنها باید آزاد

بقیه در صفحه بعد



جهت دریافت کار کمونیستی ، ریگای گه ل ، ارگان تئوریک (به پیش) ، برنامه های صوتی و تازه ترین خبرها به آدرس اینترنتی ما مراجعه کنید .

آدرس اینترنتی ما :

<http://www.fedayi.org/>

## پیرامون لایحه تشکیل سندیکاهای ...

بقیه از صفحه قبل

باشند تا در همه سطوح با تشکیل اجتماعات ، برگزاری جلسات سخنرانیها و انتشار نشریات مختلف، به ارتقای سطح آگاهی جلب و جذب و سازماندهی کارگران در همه رشته ها و صنوف ، سندیکاها را پایه گذاری کنند ، قوانین و نرم های آنرا به رای و نظر کارگران بگذارند و برای تحمیل آن به دولت و کارفرما ها طبقه کارگر متحدی رادر پشت سر خود داشته باشند و این در شرایط کنونی جامعه ما و وضعیت طبقه کارگر بناگزییر و همزمان با مبارزه برای تحقق خواست های صنفی و سیاسی هزاران کارگری توأم خواهد بود که حقوق های خودشان را ننگرفته اند ، اخراج و بیکار شده اند و سطح حقوق و دستمزدشان پایین است ، از حق مسکن ، اولاد و ایاب و ذهاب برخوردار نیستند ویا تحت عنوان قراردادهای موقت به بردگی کشیده شده اند و موارد متعدد دیگری که هم اکنون بخش وسیعی از کارگران درحال مبارزه برای بدست آوردن مطالباتشان هستند، که رژیم و طبقه سرمایه داربا ابزار فریب و سرکوب به مقابله برخاسته اند. در شرایط نبود آزادی و سرکوب فعالین کارگری و با توجه باین وضعیت درک این مطلب که سندیکاهای دست ساز رژیم بمثابه عاملی برای کنترل این مبارزات ، ساکت کردن کارگران ، انحراف مبارزات آنها به کارگرفته خواهد شد. تردیدی باقی نمیگذارد. بنابراین هرگونه امید بستن به اقدامات رژیم در جهت تشکیل سندیکاهایی که حتی ممکن است در شکل ظاهرهم شده بامقوله نامه های سازمان جهانی کار همخوانی داشته باشد ، مشکلی از مشکلات تشکیل یابی کارگران ایران را حل نخواهد کرد. دریک چنین شرایط پیچیده ای کارگران پیشرو ورفقای ما وبطورکلی کارگران ایران چه وظایفی برعهده دارند؟ سازمان ما در طول مبارزات خود همواره ازحقوق سندیکایی کارگران دفاع کرده و به اهمیت آن تاکید نموده است و برای متشکل شدن کارگران در یک تشکل طبقاتی در مقابل سرمایه داران و دولت فداکارانه کوشش کرده و مبارزه نموده است در این مبارزه ما همواره و همیشه معتقد بودیم که برای یاری رساندن به تشکل یابی کارگران از هر امکانی ولو موقتی باید در سازمانیابی فراگیر و پایدار سودجست . معهدا تجربه مبارزات کارگران ایران و همینطور جهان مبین این واقعیت است که شکل گیری سندیکاهای طبقاتی و فراگیر نه کار یک مصوبه ای در کمیسیون های دولتی و بدور از دخالت آزاد و فراگیر کارگران تامین میشود و نه کاری است که بشود بطور اراده گرایانه به

انجام رساند. تشکیل سندیکاهای کارگری همانطور که تجربه نشان داده است با مبارزه روزمره با طبقه سرمایه دار ودولت توأم است و توازن قوای طبقاتی نقش مهمی درچگونگی شکل و محتوای این تشکل ها ایفا میکند ، برای داخل کردن هرخواستی ولو کوچک در اصول و موازین سندیکاها و هر تشکل کارگری دیگری باکشمکش میان و کارگر و سرمایه دار و دولت مواجه میشود که پیروزی در این مبارزه دشوار و پرفراز و نشیب ، به کار و کوشش و تلاش و پیگیری کارگران پیشرو نیازدارد.

درک موقعیت لحظه ها ، هشیاری در مقابل اتفاقات ، تعیین شعارهای درست و ظرافت و کاردانی در به کارگیری تاکتیک ها و استفاده از هر روزنه ای ولو کوچک و داشتن اسلوب وروش های صحیح وانقلابی و تاکید و تکیه بر استقلال طبقاتی کارگران ونیز تلفیق بموقع درخواست های سیاسی واقتصادی ازجمله پیش شرط های موفقیت محسوب میشوند.

اکنون که تحت شرایطی رژیم مجبور به پذیرش حد اقل هایی از قوانین بین المللی کار درمورد تشکل های کارگری شده است و از همان ابتدا تلاش میکند تا تشکلی سرودم بریده و وابسته به خود را تحت عنوان سندیکای کارگری غالب کند. وظیفه کارگران پیشرو است که از این زمینه استفاده بکنند ، دست به آگاهگری در میان بخش های مختلف کارگران بزنند ، و ضمن افشای ماهیت اقدامات دولت و سرمایه داران در این زمینه ، شرط آزادی جمععات ، تبلیغات و تشکلات کارگری را بمثابه یک خواست عاجل و ضروری وحد اقلی برای تشکیل تشکلی فراگیر و طبقاتی به جلو صحنه مبارزات و مطالبات خود بیاورند و بمثابه یک خواست عادلانه و برحق (که بدون این آزادیها صحبت از تشکل سندیکایی واقعی نیز فریبی بیش نیست و آب در هاون کوبیدن است) در مقابل مجامع بین المللی از جمله سازمان بین المللی کار قرار دهند. ودر عین حال ازاین فرجه بوجود آمده استفاده کرده و به تشکیل کمیته ها و شوراهای کارخانه دست بزنند. تا بتوانند هم از دست درازی عوامل رژیم به مبارزات و اقدامات کارگران جلوگیری بکنند وهم از حد اقل پشتوانه لازم برای هدایت مبارزات کارگران و به کرسی نشاندن خواست های خود برخوردار باشند. این کمیته ها و شورا ها میتوانند اقدامات تشکل های وابسته به رژیم و تحرکات آنها را بعنوان تشکل های موجود که بخورد مجامع بین المللی هم

بقیه از صفحه قبل

میدهند، خنثی کنند و تشکل های مستقل خود را تنها صاحب صلاحیت معرفی کنند. و در نهایت با این اقدامات استخوانبندی محکمی برا تشکلات صنفی و سیاسی آینده کارگران فراهم نمایند .

در شرایط کنونی اگر قرار باشد سازمان های بین المللی ناظر بر اجرای قرار های خود باشند و با توجه به مجموعه شرایط رژیم هم تحت فشار جنبش کارگری و سازمانهای بینالمللی مجبور به پذیرش این نظارت بشود. مساله جنبش کارگری ایران و لزوم داشتن یک تشکل فراگیر از دایره کشور فراتر میروند لذا این میتواند فرجه لازم را برای اقدامات کارگران بویژه کارگران پیشرو فراهم سازد که خود با توسل به مقاله نامه های سازمان جهانی کار ، به تشکیل کمیته ها و شوراهای کارگری اقدام کرده . و مواضع دسیسه ها و اقدامات سرکوب گرانه رژیم را در سطح بین المللی افشا نماید و عملا کمیته ها و شوراهای کارخانه را بعنوان تنها آترناتیو صالح برای هرگونه اقدام و مراجعه ای و صالح برای سازماندهی سندیکا ها و یا هرتشکل دیگری تثبیت نمایند .

کنترل قرار داد و به شکار انقلابیون و روشنفکران پرداخت. رژیم علاوه بر وزارت اطلاعات، قوه قضائیه را نیز با سازمان مخفی امنیتی و اطلاعاتی مجهز ساخت. با تقویت بنیه نظامی و امنیتی و نهادهای مذهبی و حسینییه ها و مساجد به قانونمند کردن ترس و وحشت در جامعه دست زد و با راه اندازی کشتار سالهای دهه ۶۰ و قتل وعام بیرحمانه زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و با ترور مخالفان و روشنفکران معروف به قتل های زنجیره ای بر شکاف طبقاتی و بحران سیاسی واجتماعی و اقتصادی دامن زد. راز نهفته قتل زهرا کاظمی را نیز نمی توان جدا از این سیاست سرکوبگرانه مورد بررسی قرار داد.

انتشار خبر قتل زهرا کاظمی در روزنامه ها، نشریات، رادیوها و تلویزیونها همراه با اعتراض سازمانهای انساندوست و مدافع حقوق بشر و پیگیری استفن هاشمی در کانادا کل رژیم در بن بست عمیقی قرار گرفت و رژیم مجبور شد توضیحاتی در خصوص قتل ارائه دهد. همچنین علیرغم میل باطنی دولتهای کانادا و جمهوری اسلامی تنش در دیپلماسی این دوکشور آشکار گردید

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم درگیری و کشاکش درونی مجبور گردید هیأت ویژه رئیس جمهوری در باره قتل زهرا کاظمی را تشکیل دهد و گزارشی برای افکار عمومی داخل و خارج تهیه و ارائه نماید. با ارائه ی گزارش، رژیم نه تنها نتوانست فشار را بر خود کم کند بلکه ابهامات جدیدی را در افکار عمومی بوجود آورد.

کمیته ای مرکب از احمد مسجد جامعی "وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی"، حجت الاسلام موسوی لاری "وزیر کشور"، حجت الاسلام یونسی "وزیراطلاعات" و حجت الاسلام شوشتری "وزیر دادگستری" در تاریخ ۲۲\_۴\_۸۲ تشکیل شد. این کمیته گزارش خود را در تاریخ ۲۸\_۴\_۱۳۸۲ ارائه داد که خود باعث یک سری تنشهای جدی و حاد در بین باندهای رژیم گردید. در این گزارش بدون اشاره به تابعیت کانادائی وی مقیم کانادا اعلام می شود تا رژیم بتواند با استفاده از قوانین و سیاستهای داخلی مسئله را تمام کند. همچنین گزارش با دیدگاه ارتجاعی و ردالت تمام نسبت به مسئله زن ضمن معرفی همسر وی، به جدائی از همسر اشاره می کند که هیچگونه سنخیتی با موضوع ندارد.

در گزارش آمده است: " در پی انتشار خبر فوت خانم زهرا کاظمی خبرنگار و عکاس ایرانی مقیم کانادا که روز شبه

بقیه در صفحه بعد



### خبرنگار و عکاسی که...

بقیه از صفحه اول

قرار دادند، خانواده های زندانیان سیاسی را در مقابل زندانیان شکنجه کردند.

رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از بخش عمده ی بودجه کشور اهرمهای نظامی منظم و غیر منظم را تقویت و قوه ی قضائیه و وزارت اطلاعات را برای سرکوب و فشار به توده های مردم وارد معادلات سیاسی مذهبی ساخت. با ایجاد جو امنیتی و نظامی ادارات و مدارس و کارخانجات را با ادارات حراست و نهادهای امنیتی و انواع تشکلهای مذهبی تحت

بقیه از صفحه قبل

۲۱-۴-۸۲ و به دنبال دستگیری و سپس بستری شدن وی در بیمارستان روی داد. . . . در ادامه می آورد: " زهرا(زیبا) کاظمی، نام پدر احمد، به شماره شناسنامه ۲۱۱۶ و تبعه ایران در سال ۱۳۲۷ در شیراز به دنیا آمد. وی در ایران موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته سینما شد و بیست و نه سال قبل در فرانسه اقامت گزید و از دانشگاه سوربون دکترای هنر گرفت. در فرانسه با همسر ایرانی اش، محمد علی هاشمی، اختلاف پیدا کرد و یکسال پس از تولد تنها فرزندش سلمان (استفان)، از شوهر جدا شد."

رژیم که در پرونده سازی ید طولائی دارد در این گزارش برای توجیه دستگیری وی به دلایلی از قبیل ورود غیر مجاز به کشور و گرفتن عکس از مناطق ممنوعه دست می یازد. که این خود نشان از چندگانگی در اهرم های حکومتی است و هر اداره بدون در نظر گرفتن مسئولیتش به یاری رژیم می آید که آمده است: "وی در تاریخ ۳-۲-۸۲ با معرفی اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی و هماهنگی قرارگاه های نظامی ذیربط از مرز پرویزخان عازم سلیمانیه می شود و در تاریخ ۲۹-۲-۸۲ از همان مرز اما بدون اطلاع این اداره کل به کشور باز می گردد."

بخشی از گزارش بر می گردد به معرفی نامه مؤسسه عکس و محدوده camera press انگلیسی "کمرا پرس" فعالیت های کاظمی که از طرف شرکت مزبور، تهیه عکس از زندگی روزانه مردم عادی در شهر تهران قید شده است و وی ضمناً درخواست تهیه عکس از زندگی روزانه مردم عادی در شهر تهران، دانشجویان و چند دانشگاه در تهران و نیز کوی دانشگاه می نماید.

گزارش اشاره می کند: "این معرفی نامه در تاریخ ۲-۴-۸۲ از سوی اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی به خانم کاظمی تحویل می شود و عصر همان روز مشارالیها برای تهیه عکس و گزارش از خانواده های زندانیان نا آرامی های اخیر تهران در برابر زندان اوین حضور می یابد و در ساعت هفده و چهل دقیقه از سوی دادستانی بازداشت می شود. خانم کاظمی در این اقدام، بر خلاف مجوز اعطا شده به وی عمل کرده و همچنین از محلی عکس گرفته که با علامت "عکسبرداری ممنوع" مشخص بوده است."

گزارش مزبور ظاهراً اولین مأموریت خود را درست انجام داده و مدعی شده است دستگیری وی بر اساس شواهدی مبنی بر تهیه عکس غیر مجاز از خانواده زندانیان سیاسی و محل عکسبرداری ممنوع بوده است. تا این مرحله کار آسان به نظر

می آید ولی مشکل اساسی وقایعی است که در زندان اتفاق می افتد و منجر به کشته شدن وی می گردد. هر چند این گزارش سعی کرده است وضعیت را عادی جلوه داده و مرگ را اتفاقی قلمداد کند ولی گزارش نمی تواند از روال همیشگی خارج شود. بار دیگر تأکید می شود که خودداری متهم از پاسخ به سئوالات در جمهوری اسلامی جرم محسوب می شود و حکمی برابر با محارب و مرتد دارد در چنین اتهامی شکنجه گر هیچگونه محدودیتی را نمی شناسد و حتا زندانی از تجاوز جنسی و هر گونه اعمال ضد بشری در امان نیست و شکنجه تا دم مرگ جاری است..

در ملاحظات گزارش آورده شده است: "خانم کاظمی از ابتدای بازداشت تا آخر، از خوردن غذا امتناع می ورزیده و فقط آب می آشامیده است." و همچنین آمده است: "وی در مراحل مختلف باز داشت، به سئوالات، پاسخ های نامربوط می داده و از ارائه ی هرگونه پاسخ شفاف طفره می رفته است." و "رفتارهای غیر طبیعی، جسورانه و پرخاشگرانه ی او در مدت بازداشت از سوی هر سه نهاد ذیربط تأیید شده است." کمتر کسی است که این اتهامات را در جمهوری اسلامی جدی نگیرد، بخصوص زندانیان سیاسی و خانواده های آنان کاملاً با این گونه اتهامات آشنائی دارند و هزاران کمونیست و آزادیخواه و . . . به اتهام مقاومت، زیر شکنجه شهید شدند و یا نهایتاً به جوخه های اعدام سپرده شدند. گزارش علیرغم نفی شکنجه علیه زهرا کاظمی نمی تواند از معضل ضربه مغزی خلاصی شود با این حال آخرین تلاش خود را آزمایش می کند. به هر حال اشاره می شود: "در این گزارش تصریح شده است علت فوت شکستگی جمجمه و خونریزی مغزی به خاطر برخورد جسم سخت به سر یا برخورد سر به جسم سخت می باشد و علائمی دال بر ضرب و جرح در آن دیده نمی شود. رژیم با ارائه ی این گزارش بی محتوا، سعی دارد مسئله ی موجود را بر سر یک جریان خودسر خلاصه کند و کل سیستم را از بحران خارج سازد بر این اساس کاظمی را در مدت کوتاه آنقدر زندان به زندان و بازجو به بازجو، اداره به اداره می کند تا بتواند از این مجموعه به جریان خودسر مثل قضیه قتل های زنجیره ای برسد. غافل از اینکه افشاکاری های انجام شده و کمترین توجه به همین گزارش می توان نقش تمامی ارگانهای نامبرده را دید. از طرف دیگر رفتارهای باندهای رژیم جمهوری اسلامی بحران غیر قابل کنترلی را بوجود آورده است و هر کدام از باندهای رژیم به دنبال



نیدل، کاشی گیلان، چینی گیلان، صنایع پوشش، اسپارک ماشین تول، صنایع ابریشم، شرکت تعاونی قیصرکوه، ایران ماکارونی، و خزان استرج، از جمله کارخانجات و صنایعی هستند که پرداخت حقوق بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران آنها از ۲ تا ۲۴ ماه به تعویق افتاده است.

یعقوبی دبیر اجرایی «خانه کارگر» گیلان میگوید «سوء مدیریت، کمبود نقدنگی، واگذاری به بخش خصوصی و فرسودگی ماشین آلات از مهمترین مشکلات فراروی این واحد هاست» اما او نمیگوید که علاوه بر درآمد خود این کارخانجات، اختصاص میلیارد ها تومان بودجه ادعائی دولت برای بازسازی این صنایع به جیب چه کسانی رفته است؟ مدیریت های منتصب و نالایق توسط کدام باند ها بر سرنوشته کارخانه ها و کارگران حاکم شده اند؟ با اجرای سیاست خصوصی سازی که میلیونها کارگر و خانواده هایشان به خاک سیاه نشانده شده اند، این کارخانه ها به چه کسانی واگذار شده و چرا حقوق کارگران را پرداخت نمیکنند و به بهانه های مختلف دست به اخراج و یا بازخرید کارگران میزنند؟

اما قرار نیست که این نماینده محترم «خانه کارگر» وابسته به رژیم و باندهای ثروت به افشای عوامل سیه روزی کارگران بپردازد. او مامور است تا با توجیه این همه ظلم و ستم و سیاه کاری باند های حاکم بر کشور، سرکارگران را شیره بمالد و برای خود وجه تراشی کند تا در روز مبادا بر توهم ناشی از این اراجیف سوار شده و مبارزات کارگران را به بیراهه کشد. در چنین شرایط حساسی که اخراج های دسته جمعی، عدم پرداخت حقوق و خطر بیکاری زندگی کارگران و خانواده های آنها را تهدید میکند، بر کارگران پیشرو صنایع فوق الذکر است که با تشکیل فوری کمیته های کارخانه و سایر تشکلهای ضرور و کارآ، در جهت اتحاد مبارزاتی کارگران همه کارخانه ها اقدام کرده و کارگران را به مبارزه ای مستقل و یکپارچه فراخوانند.

**کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا دست به تجمع اعتراضی**

**زدند!**

روز یک شنبه نهم شهریور ماه کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا واقع در شهر شیراز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود دست از کار کشیده و در مقابل

بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

نجات، رقیب خود را مورد حمله قرار می دهد. باند دوم خردادی در صدد است وزارت اطلاعات را از زیر ضرب برهاند و بیشترین حمله خود را متوجه شخص سعید مرتضوی کرده است و حل بحران موجود را در حذف سعید مرتضوی وابسته به قوه قضائیه و دستیار وی می داند. باند ولئی حاکم بر قوه قضائیه نیز دنبال قربانی در وزارت اطلاعات است که با دستگیری چند نفر از این مجموعه اقدام عملی خود را شروع کرده و سعی دارد وزارت اطلاعات را از مجموعه سیستم حکومتی خارج سازد.

هر چند رژیم توانست جسد کاظمی را با فشار به مادر وی در شیراز دفن کند و با طولانی کردن تحویل جسد اثرات جلدی شکنجه را از بین ببرد. با این وجود دوگانگی دیگری را در احکام شرعی آشکار ساخت که خود بحران جدیدی را در نهاد های مذهبی و حوزه های علمیه در باره احکام شرعی در خصوص مسئله زن می افزاید و تمامی احکام شرعی که تا کنون توانسته اند با کمک احکام مذهبی مردم را غارت و چپاول کنند ثابت گردید که این احکام می تواند در جهت منافع خاص تغییر کند. مجتهدینی که سالها این حق را به شوهر و در صورت نبود شوهر به فرزند ذکور داده اند مقلدین خود را بیش از پیش از خود دور خواهند کرد، اگر برای توجیه این عمل عنوان سرزمین کفار طرح شود در این صورت بحران رژیم مذهبی در عرصه بین المللی صد چندان خواهد شد.

بمناسبت سال گشت شهادت معلم انقلابی رفیق صمد بهرنگی کمیته کردستان سازمان قسه های او را به زبان کردی ترجمه کرده است، برای دریافت این نوشته ها بصورت کتاب میتوانید با آدرس روابط عمومی سازمان تماس بگیرید و برای مطالعه آنها به سایت سازمان بخش کمیته کردستان مراجعه کنید.

**چند خبر**

**بیش از ۶۰۰ کارگر کارخانجات گیلان با وخامت**

**روزافزون زندگی خود مواجه اند!**

کارگران کارخانجات، نخ تاز، گیلان پکت، کیسه گیلان، ایران کنف، صنایع چوب رشت، ایران برگ، پلاستیک شمال، شهرداری، گیلان پوشینه گستر، ریسندگی فومنا، ایران

ماfiای وابسته به حاکمیت سرازیر میشود . آمار اعلام شده توسط مسئول دولتی تنها شامل صد هزار کارگر شاغل در این استان میشود که سی هزار نفر آنها هنوز بیمه نشده اند. خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل !

### تجمع اعتراضی معلمان ناحیه یک کرج !

بیش از ۵۰ نفر از معلمان زحمتکش ناحیه یک کرج در یک تجمع اعتراضی در میدان قدس این شهر مطالبات خود را طرح و خواستار رسیدگی شدند .

### پاسخ شیطان الرجیم به سید ابراهیم نبوی !

اخیرا ابراهیم نبوی طی نامه ای به شیطان از اوضاع و احوال حاکم بر ایران شکایت نموده است و مدعی شده که کار از دست خدا هم خارج است آقایان ملی مذهبی ها از جمله آقای دکتر ملکی بی جهت دست به دامان خدا شده اند بلکه کار دست شیطان است ! درهمین رابطه گویا از این اتهام خون شیطان به جوش آمده و ضمن رد هرگونه اتهامی یقه خود سید ابراهیم را گرفته و او را به کنایه متهم میکند که با چسباندن سید به اول نام خود در جمهوری اسلامی منظوری داشته است !! اینک اصل جوابیه جناب شیطان ( جناب آقای ابراهیم نبوی ، نامه شما مطالعه شد . در ابتدا از اینکه به نقش من در تحولات جهانی پی برده اید و به جای نوشتن نامه سرگشاده به رهبری و رئیس جمهوری و حتی خدا ، به آدرس من دست به قلم شده اید جای بسی خوشوقتی است و قدمی رو به جلومحسوب میشود . حتما سکونت شما در فرانسه ، یکی از کشورهای محبوب من در این بازشدن چشمان شما بی تاثیر نبوده است. اما در مورد درخواست شما راجع به مسایل ایران ، باید به عرض برسانم که اینجانب هیچگونه نقشی و فعالیتی در ایران ندارم و زمام امور از دست من بدر رفته است . اعتراف میکنم که در پیروزی انقلاب نقش بزرگی داشتم اما پس از آن شما ایرانیها من را هم دور زدید و خرابکاریهای شما در مملکت بیشتر از میزان مطالبات برحق من بود . درهمین جا اذعان میدارم بنده در ایران بجز چند نماینده برای یاد گرفتن از روی دست مسئولین ایرانی هیچ فعالیت دیگری ندارم. در پایان اضافه میکنم که شما ایرانیها تنها قومی هستی که شیطان را هم درس میدهد و دست شیطان را از پشت میندید و این از ضرب المثل های شما هم پیداست . راستی هنوز خودت فکر میکنی که از اولاد پیغمبر هستی که کلمه سید را به نامت آویزان کرده ای ؟

بدون احترام مقام معظم شیطان

برسرمزار جان فشانان راه آزادی در گلزار خاوران! جمعه هفتم شهریور مراسم پانزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی که در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ بدستور رهبران جمهوری اسلامی در زندانها به جرم آزادیخواهی قتل عام شدند ، برگزار شد. در این مراسم خانواده های زندانیان سیاسی وعده قابل توجهی از زندانیان سیاسی سابق حضور داشتند که با اجرای ترانه سرود و سخنرانی به مراسم جلوه ای دیگر بخشیدند این مراسم علاوه بر ایران، در سایر کشور های جهان نیز توسط ایرانیان برگزار شد. یاد وخاطره این عزیزان بخون خفته را گرامی داریم با یاد آوری مقاومت و استقامت آنها در برابر چوبه های دار و جوخه های اعدام مقاوم و پایدار راه شان را تا سرنوشتی این رژیم جهل و جنایت و برقراری جامعه ای آزاد و بدور از ستم و سرکوب و فقر و استثمار ، ادامه دهیم.

بقیه از صفحه قبل

### ادامه چند خبر

کارخانه اجتماع کردند . کارگران این کارخانه طی این اجتماع ضمن سخنرانی و بحث حول مشکلات خود قطعنامه ای صادر نموده و خواستار رسیدگی فوری به مطالبات معوقه خود شدند کارگران در پایان این تجمع ۵ روز به کارفرما فرصت داده اند تا به مشکلات شان رسیدگی شود در غیر اینصورت دست به یک اعتصاب نامحدود خواهند زد. کارگران کارخانه دنا با اتحاد و همبستگی خود نشان داده اند که به مبارزه شان تا پیروزی ادامه خواهند داد ما ضمن پشتیبانی از مبارزات و مطالبات کارگران ، آنها را به اتحاد و همبستگی بیشتر فرا میخوانیم .

### ۳۰ هزار کارگر سیستان و بلوچستان از بیمه تامین اجتماعی

#### محرومند!

طبق اظهارات مدیر کل امور اجتماعی استان سیستان و بلوچستان بیش از سی هزار کارگر این استان از هرگونه مزایای تامین اجتماعی محروم هستند این در حالی است که مردم ستمدیده سیستان و بلوچستان همواره یکی از استانهای محروم کشور محسوب میشود کارگران و زحمتگشان بلوچ علاوه بر تحمل ستم ملی همیشه و همواره از ستم اقتصادی و تشدید استثمار و فقر و نداری رنج برده اند در این استان کودکان از همان سنین پایین اغلب بخاطر فقر مفرط خانواده در کارخانه ها ، کارگاه های فاقد هرگونه امکانات بهداشتی با کمترین دستمزد و بیشترین ساعات کار استثمار میشوند . وبودجه اندکی هم که هر ساله به این استان اختصاص داده میشود صرف ارگانهای سرکوب شده و یا مستقیما به جیب

بخشی از یک مقاله صمد بهرنگی

## ضرورت دگرگونی در ادبیات کودکان

تنظیم از بهرام

دیگر وقت آن گذشته است که ادبیات کودکان را محدود کنیم به تبلیغ و تلقین نصایح خشک و بی برو برگرد، نطافت دست و پا و بدن، اطاعت از پدر و مادر، حرف شنوئی از بزرگتران سر و صدا نکردن در حضور مهمان، سخرخیز باش تا کامروا باشی، بخند تا دنیا برویت بخندد، دستگیری از بینوایان به سبک و سیاق بنگاههای خیریه و مسائلی از این قبیل که نتیجه کلی و نهایی همه اینها بی خبر ماندن کودکان از مسائل بزرگ و حاد و حیاتی محیط زندگی است چرا باید در حالی که برادر بزرگ دلش برای یک نفس آزاد و یک دم هوای تمیز لک زده کودک را در پیله ای از خوشبختی و شادی و امید بی اساس خفه کنیم بچه را باید از عوامل امیدوار کننده الکی و سست بنیاد ناامید کرد و بعد امید به دگرگونه ای بر پایه شناخت واقعیتهای اجتماعی و مبارزه با آنها را جای آن امید اولی گذاشت.

آیا کودک غیر از یادگرفتن نطافت و اطاعت از بزرگان و حرف شنوی از آموزگار (کدام آموزگار؟) و ادب (کدام ادب؟) ادبی که زورمندان و طبقه غالب و مرفه حامی و مبلغ آن است چیز دیگری لازم ندارد؟ آیا نباید به کودک بگوئیم که در مملکت هستند بچه هائی که رنگ گوشت و حتی پنییر را ماه به ماه و سال به سال نمی بینند؟ چرا که عده قلیلی دلشان می خواهد همیشه غاز سرخ شده در شراب سر سفره شان باشد. آیا نباید به کودک بگوئیم که بیشتر از نصف مردم جهان گرسنه شده اند و راه بر انداختن گرسنگی چیست؟ آیا نباید درک علمی و درستی از تاریخ و تحول و تکامل اجتماعات انسانی به کودک بدهیم؟ چرا باید بچه های شسته رفته و بی لک و پیس و بی سرو صدا و مطیع تربیت کنیم مگر قصد داریم بچه ها را پشت وپترین مغازه های لوکس خرازی فروشی های بالای شهر بگذاریم که چنین عروسکهای شیکی از آنها درست می کنیم چرا می گوئیم دروغگوئی بد است چرا می گوئیم دزدی بد است چرا می گوئیم اطاعت از پدر و مادر پسندیده است چرا نمی آید ریشه های پیدایش و رواج و رشد دروغگوئی و دزدی را برای بچه ها روشن کنیم. کودکان را می آموزیم که راستگو باشند در حالی که زمان، زمانی است که چشم راست به چشم چپ دروغ می گوید و برادر از برادر در

شک است و اگر راستگو آنچه را در دل دارد به زبان آورد چه بسا که از بعضی ددرسرها رهائی نخواهد داشت آیا اطاعت از آموزگار و پدر و مادری ناباب و نفس پرست که هدفشان فقط راحت زیستن و هرچه بیشتر پول درآوردن کار پسندیده ای است؟ چرا دستگیری از بینوایان را تبلیغ می کنیم و هرگز نمی گوئیم که چگونه آن یکی بینوا و این یکی توانگر که سینه جلو دهد و سهم بسیار ناچیزی از ثروت را به آن بابای بینوا بدهد و منت سرش بگذارد که آری من مردی خیر و نیکو کارم و همیشه از آدمهای بیچاره و بدبختی مثل تو دستگیری می کنم البته این هم محض رضای خداست والا تو خودت آدم نیستی. اکنون زمان آن است که در ادبیات کودکان به دو نکته توجه کنیم و اصولا این دو را اساس کار قرار دهیم. نکته اول: ادبیات کودکان باید پلی باشد بین دنیای رنگین و بی خبری و در رویا و خیال های شیرین کودکی و دنیای تاریک و آگاه غرقه در واقعیت های تلخ و درد آور و سر سخت محیط اجتماعی بزرگترهاست کودک باید از این پل بگذرد و آگاهانه و مسلح و چراغ بدست به دنیای تاریک بزرگترها برسد در این صورت است که بچه می تواند کمک و یار واقعی پدرش در زندگی باشد و عامل تغییر دهنده مثبتی در اجتماع راكد و هر دم فرو رونده. چه باید بداند که پدرش با چه مکفاتی لقمه نانی بدست می آورد و برادر بزرگش چه مظلوم وار دست و پا می زند و خفه می شود آن یکی بچه هم باید بداند که پدرش از چه راه هائی به دوام این روز تاریک و این زمستان ساخته دست آدمها کمک میکند بچه ها را باید از عوامل امیدوار کننده سست بنیاد ناامید کرد.

بچه ها باید بدانند که پدرانشان نیز در منجلاب اجتماع غریق دست و پا زننده ای بیش نیستند و چنانکه همه بچه ها به غلط می پندارند پدرانشان راستی راستی از عهده همه کاری بر نمی آیند و زورشان نهایت به زشان می رسد. خلاصه کلام و نکته دوم: باید جهان بینی علمی و دقیقی به بچه داد معیاری به او داد که بتواند مسائل گوناگون اخلاقی و اجتماعی رادر شرایط و موقعیت های دگرگون شونده دائمی و گوناگون اجتماعی ارزیابی کند. میدانیم که مسائل اخلاقی از چیزهایی نیستند که ثبات

# به یاد صمد

بزرگداشت سی و پنجمین سالگرد وفات صمد بهرنگی در تبریز

به نام حق

"شاهکار صمد زندگیش ایش بود"

**قانداری قوروماز قهرمانلارین رنگی دونمیه جک قیزیل قاندارین**

درسی و پنجمین سالگرد وفات معلم بزرگ و مبارزمان "صمد بهرنگی"، یاد و خاطره اش را گرامی خواهیم داشت. بدین مناسبت از کلیه دوستان صمد و همه کسانی که عشق او را در سینه میروزانند دعوت میشود بر سر مزارش حاضر شوند.

زمان: یکشنبه ۹ شهریور - ساعت ۱۸  
مکان: تبریز - گورستان امامیه - جنب بنای طاق بزرگ

از طرف جمعی از دوستان صمد

نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.

تحریریه:

نظام ص.

کلثوم س.

مصطفی ح.

بهرام ص.

مسئول اجرائی نشریه بهرام ص.

نشانی های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

شورای مرکزی

[centralconcil@fedayi.org](mailto:centralconcil@fedayi.org)

هیات سیاسی

[politburo@fedayi.org](mailto:politburo@fedayi.org)

نشریه جهان کمونیستی

[jahan@fedayi.org](mailto:jahan@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱



## ضرورت دگرگونی

بقیه از صفحه قبل

دائمی داشته باشند آنچه یک سال پیش خوب بود ممکن است دو سال بعد بد تلقی شود. کاری که در میان قوم و طبقه دیگری ضد اخلاق محسوب شود.

در خانواده ای که پدر همه درآمد خانواده را صرف عیاشی و خوشگذرانی و قماربازی می کند، و هیچ اثر تغییر دهنده ای در اجتماع ندارد و یا سد راه تحول اجتماعی است بچه ملزم نیست مطیع و راستگو و بی سر و صدا باشد و افکار و عقاید پدر را عیناً قبول کند.

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم